

سیاسی و مغرب‌می‌شویم. درحالی‌که همسایگان ما مهم‌ترین فرصت‌ها برای ما هستند. نگاه فرصت‌محور به منطقه باعث می‌شود که با همسایگان مان مکمل یکدیگر باشیم و بتوانیم به سمت پیشرفت برویم. درست است که ما در دنیا اختلافاتی داریم اما دنیای می‌تواند برای ما فرصت باشد و می‌توانیم از امکانات دنیا استفاده کنیم. ما نیاز داریم سرمایه دنیا وارد کشورمان شود و جوانان ما از بهترین تکنولوژی دنیا بهره‌مند شوند. نیاز نداریم که هر چیزی در دنیا را به دید تهدید و نااملایم یا خطر نگاه کنیم. ما کشور و مردم بزرگی هستیم و در برابر سختی‌ها و ناگواری‌های تاریخ ایستاده‌ایم بنابراین می‌توانیم به خودمان باور داشته باشیم. کسانی که از مذاکره می‌ترسند به دلیل باور نداشتن خودشان است.

نگاه تهدیدمحور ناشی از عدم خودباوری است. کسی که خود را باور دارد معتقد است که می‌تواند تهدیدها را به فرصت تبدیل کند. قدرت معنایی ایران که مهم‌ترین عامل قدرت ماست، همین خودباوری است که با آن با غرور و افتخار با دنیا مذاکره کند و راه را پیش ببرد و سدها را بشکند. سد هسته‌ای، سد FATF و همه سدها را می‌توانیم بشکنیم به شرط آنکه خود را باور کنیم و بپذیریم که می‌توانیم فرصت داشته باشیم. لذا ضمن اینکه معتقد دولت پزشکیان، دولت صالح، توسعه و تعامل خواهد بود اما هم‌زمان معتقد دولت پزشکیان دولت فرصت‌محور است نه دولت تهدید. اگر بخواهیم گفتمان جدیدی‌رای دولت پزشکیان معلوم کنیم، گفتمان فرصت‌محوری است. اینطور نیست که یک جناح مسئول همه مشکلات است و یک جناح همه خوبی‌های کشور را به همراه داشته است. همه‌ما اشتباه داریم، همه‌ما اشتباه کردیم. بپذیریم که همه باید حرکت کنیم. با شعر مولانا حرفه را خاتمه می‌دهم چراکه بسیار مهم است که خودمان را باور کنیم: «تو مگو همه به جنگند وز صالح من چه آید/ تو یکی نه‌ای هزاری تو خرد خود براقرور».

گفتار چهار

دولت‌ها و گفتمان‌ها



بهاره آروین

جامعه‌شناس و عضو سابق شورای شهر تهران

گفتمان دولت چهاردهم از ضروریات این دولت تا نقطه پایان است. مردم دولت‌ها را با گفتمان به یاد می‌آورند. دولت آقای

خاتمی با توسعه سیاسی و جامعه مدنی به یاد می‌آید. بر خسی از اقدامات دولت‌ها - حتی اقدامات مؤثر- به دلیل فرار نگرفتن در زیر مجموعه گفتمان به یاد آورده نمی‌شود. سال ۸۴ که دو دوره دولت اصلاحات به پایان رسید، جو حاکم دال بر این بود که دولت به مسائل اقتصادی نپرداخت و بیشتر در حوزه سیاسی فعال بود. فارغ از اینکه دولت‌ها چه دستاوردها و موفقیت‌هایی دارند اما عباراتی به دولت‌ها سنجاق شده است. دولت آقای احمدی نژاد با شاخصی مانند اینکه گفت: «نفت را به سفره‌های مردم بیاریم» یا با مسکن مهر شناخته می‌شود. دولت آقای روحانی یی دولت تدبیر و امید، با بر جام و سیاست خارجی شناخته می‌شود، آن‌هم با جمله روحانی که گفت: «چرخ سانتریفوژ و زندگی مردم باید بچرخد.» جالب است کاندیداهای پیروز گفتمان دارند و حتی در انتخابات می‌خواهند که گفتمان منسجمی را تولید کنند.

این گفتمان‌ها را چه کسی ساخته است؟ گفتمان‌ها فقط مفاهیم نیستند. کاندیداهایی در انتخابات شرکت داشتند که

برطرف کردن این شکاف‌ها است. صحبت‌ها درباره انتخابات و اجرای آن معرف این اراده بود که سیستم سیاسی ایران به نتیجه رسیده که باید این مسیر را برود اما این بار آگاهانه. از ابتدا گفتم که سیستم سیاسی ایران تن داده که آگاهانه پزشکیان رئیس جمهور شود، آن‌هم بر خلاف ۷۶ و ۹۲. بارها هم در جلسات علنی و غیرعلنی گفتم اگر می‌خواهید زیر این انتخابات بنزید از الان این اقدام را انجام دهید. صحبت‌های رهبری کاملاً ر حله بعدی را نشان داد که مجلس نمی‌تواند چوب لای چرخ دولت بگذارد. مجلس یک قدرت است، دولت هم یک قدرت که باید با قدرت دستگاه قضایی مکمل همدیگر باشند. ایده سیاسی که باید روی آن تاکید شود این است که این انتخابات اول راه است و باید آنهایی که رای ندادند تکمیل و اضافه شوند. مهم اعتقاد ماست که اگر از رای خود بیشیمان روییم، خود را پس می‌گیریم. ایده کلی انتخابات ۱۴۰۳ بازگشت به جامعه و مردم و همچنین حذف شکاف درون قدرت و یکدست شدن قوا برای پیشبرد پروژه توسعه و آرامش مردم، حذف شکاف بین دولت و ملت و اعتماد مردم به اقدامات دولت است. آن زمان شاهد خواهیم بود، پیچیده‌ترین سیاست‌هایی که کسی در حال حاضر جرات نزدیک شدن به آن ندارد، در همین دولت به نفع مردم اتخاذ می‌شود. البته راه آن تن دادن ساختار قدرت به قانون است. در ساختار قدرت حرف اصلی را قانون می‌زند و در مورد مردم نیز قانون مبتنی بر خواست مردم است. نمی‌شود قانونی تصویب شود که ۰ درصد مخالف آن باشند. این اقدام می‌معنی و بی اعتبار کردن اجرای قانون و بی اعتماد کردن مردم نسبت به قانون است.

افرادی که در ستاد اهربری هستند، قصد ندارند در سیستم سیاسی باشند. ما هیچ طلبی از پزشکیان نداریم. من بدهکارم چراکه این طرفی است که من مطروف را در آن ریختم. اما تا زمانی که به شعارهایش ملتزم است وظیفه کمک داریم و او نیز ملتزم به اجرای شعارهایش است. دآوری را روی جزئیات نبریم چراکه پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. مبنای داوری من خط مشی کلی است. البته اگر جزئیات زیاد شده و ناقص خط مشی شد می‌توان به جزئیات هم انتقاد کرد. تا وقتی که فکر می‌کنید مسیر را درست می‌روند، اعتماد داشته باشید.

دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳
سال سوم • شماره ۵۵۸
www.hammihanonline.ir

گفتار پنج

تحلیل گفتمان پزشکیان



حسین سلیمی

استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

وقتی صحبت از گفتمان دولت چهاردهم می‌کنیم کسانی به ما ایراد گرفتند که هنوز گفتمانی شکل نگرفته است و سخنی مطرح نشده است. ابتدا به این شبهه پاسخ خواهیم داد. در بحث‌های تحلیل گفتمان برخی فکر می‌کنند زمانی می‌شود از گفتمان‌ها سخن گفت که مدت زیادی پس از پدید آمدن بمانند و ریشه اجتماعی داشته باشند و گسترده شوند. در مبنای اصلی تحلیل گفتمان چنین نیست، همه‌ما در محیط سخن، گفتمان و نظام‌های معنایی زندگی می‌کنیم و زبان و نشانه‌ها همه چیز ما هستند. برای اینکه گفتمانی را جست‌وجو کنیم نیازمند شکل‌گیری یک نظام معنایی معین در درون جامعه نیستیم، کسی که سخنرانی می‌کند را با همان سخن مورد تحلیل گفتمان قرار دهیم و نظام گفتمانی او را استخراج کنیم. بنابراین از همکاران دانشگاهی‌ام خواهش می‌کنم این ایراد را که هنوز گفتمانی شکل نگرفته وارد نکنند چراکه در تعریف موسع از گفتمان این انگاره قابل انجام است. حتی در روش‌های تحلیل گفتمانی نیز این موضوع مطرح است. در یکی از مشهورترین روش‌های تحلیل گفتمان آن را در سه سطح بررسی می‌کنند و در مورد گفتار دکتر پزشکیان در طول انتخابات این سه سطح را بررسی خواهیم کرد. اول اینکه چه مفاهیم و واژگان و اصطلاحات و مبنایی را به کار ببریم، دوم اینکه، بررسی کنیم که این واژگان چگونه در جامعه فهمیده شده و سطح سوم این است که در چه شرایط اجتماعی رخ داده و در آن شرایطی می‌تواند چه نقشی داشته باشد.

براساس این سه سطح، ما به‌ویژه از دوره آقای هاشمی به بعد می‌بینیم که شخصیت‌ها یک گفتمانی داشتند که شناسه یا نام خانوادگی آن‌ها بوده که در برخی دولت‌ها یکسان بوده و در برخی دولت‌ها متفاوت بوده است. برای مثال گفتمان سازندگی و دولت سازندگی را در دوره آقای هاشمی داشتیم، در دوره آقای خاتمی، اصلاحات، در دوره آقای احمدی نژاد، عدالت‌جویی و مهرورزی مطرح بود، در دولت آقای رئیسی عدالت و جمهوریت و عنوان دولت مردمی را داشتیم. یعنی در تاریخ سیاست داخلی و خارجی با آن گفتمان و عنوان دولت‌ها شناخته می‌شوند و این اقدامی که از امروز آغاز شده است برای این است که ببینیم درباره دولت آقای پزشکیان این موضوع چطور صدق می‌کند. ما برای اینکه نظام معنایی گفتار آقای پزشکیان و همراهان اصلی ایشان را در انتخابات درک کنیم، یک تحلیل محتوایی اولیه انجام دادیم تا ببینیم سخنان ایشان را بر روی چه عناوینی می‌شود گردآوری کرد. برای مثال استفاده از کار کارشناسی بخش عمده‌ای از صحبت‌های ایشان است که در

سخنان دانشمندان و در دانشگاه‌ها و همراهان ایشان مکرر استفاده شده است. پرهیز از ادعوا پرتکرارترین سخن آقای دکتر پزشکیان بوده است. همینطور حل مسئله بر جام و FATF از مضامین پرتکرار سخن آقای دکتر پزشکیان بوده است. همینطور اجرای برنامه‌های مصوب کشور و اسناد بالادستی و در نهایت صداقت و عدالت و بودن صدایی برای کسانی که صدای آن‌ها در جامعه شنیده نمی‌شود عمده‌ترین و پرتکرارترین سخن آقای دکتر پزشکیان و همراهان ایشان در طول جریان انتخابات بوده است. پس اگر بخواهیم گفتمانی را شناسایی و عنوانی را برای آن تعیین کنیم اینها دایره مفاهیمی بوده است که توسط ایشان مطرح شده و هنوز هم مکرراً ذکر می‌شود.

اما در سطح دوم این موضوع مطرح است که این مفاهیم در جامعه چگونه فهمیده شده است. بررسی‌های ما نشان می‌دهد سخن و گفتمان دکتر پزشکیان بیشتر از اینکه وجه ایجابی در بین مخاطبان مورد توجه قرار گیرد، وجه سلبی آن مطرح شده است و اینکه ایشان چه کسی را نقد می‌کند و در مقابل چه اندیشه‌ای قرار دارد، بیشتر فهمیده شد. تمام سخن آقای دکتر پزشکیان با توجه به نقطه مقابل آن فهمیده و تفسیر شد. بنابراین بسیار مهم است که سخن ایشان چه نگاهی دارد. متن ایجابی سخن آقای پزشکیان این دو مفهوم بیشتر از همه مورد توجه قرار گرفت، یک خروج از بن‌بست بین‌المللی و دیگری ایجاد فضای باز اجتماعی. بیشترین کلامی که از ایشان در بین موافقان و مخالفان فهمیده و بر حسته شد خروج از بن‌بست بین‌المللی و بُعد آزادی و فضای بازنر اجتماعی بود.

و در سطح سوم، با توجه به اینکه جامعه با بحران‌های متعدد مواجه است این انتخابات برگزار شد و جامعه نزدیک به قطب‌بندی بود. برخی فکر می‌کنند قطب‌بندی چیز خوبی است در حالی‌که جوامع و مجموعه‌های انسانی را به سمت انهدام و درگیری‌های بسیار شدید می‌برد. جامعه ما در این شرایط بود و نیمی از جامعه یا غیرسیاسی شدند و یا در مقابل قرار دارند. حدود ۲۶ درصد به آقای پزشکیان رای دادند و ۲۱ درصد به آقای جلیلی و انتخابات در درون اینها پولاریزه شده است و هر کدام از اینها انتظاری را دارند و سخنی را نمایندگی می‌کنند. اما با توجه به انتظاراتی که جامعه دارد موفقیت این گفتار یا سرنوشت ایران و نه سرنوشت یک جناح و ایران پیوند خورده است. به همین دلیل است که باید زود این ساختار معنایی و چگونگی کاربرد ی‌سازی این ساختار را درک کنیم.

پیشنهاد من دوازده «همگرایی» و «دانش‌پنایی» که دیدگاه‌های کارشناسی و دانشگاهی را از خود جای داده است، شاید بتواند هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی کاربرد داشته باشد. این عناوین را بر اساس جست‌وجو در شبکه‌های اجتماعی و سرچ‌ها پیدا کردیم که دولت تعامل و توسعه بر اساس این عنوان است، دولت کارشناسان، دولت شایستگیان، دولت آشنستی، دولت وفاقی، دولت صلح‌اندیش واژگان مختلفی است که علاقه‌مندان به این گفتار ارائه می‌دهند.

گفتار شش

قرار است برای ایران کاری شود



غلامرضا زکیانی

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

مخاطب اصلی من در این بحث طیف معتدل کشور است. چراکه رویکرد دکتر پزشکیان اصلاح ایران و برای ایران است. در انتخابات اتفاقی رخ داد و آن موضع دکتر پزشکیان در دانشگاه تهران بود و همه فکر می‌کردند در مقابل نظر دانش‌جوه‌های رادیکال نگرفت ساختار شکنانه و رادیکال بگیرند. اما نه‌تنها مواضع رادیکال نگرفت و وعده عجیبی نداد، بلکه از عبارت «من ذوب در ولایت» استفاده کرد. این عبارت برای همه‌ما خیلی شگفت‌انگیز بود و اولین چیزی که به ذهن ما رسید این بود که رای‌های او خواهد ریخت. با همین عنوان می‌خواهم نتیجه بگیرم که اتفاقاً آقای دکتر پزشکیان نه می‌خواهد دولت اصلاحات را برپا کند و نه دولت‌های قبلی را بلکه می‌خواهد یک کار جدید برای ایران بکند و به دلیل جدید بودن ویژگی‌هایی دارد که باید بیش از حضورمان در زمان انتخابات حضور داشته باشیم و حواس مان به کمیت‌ها و کارگروه‌ها قبل و بعد از رای اعتماد باشد.

ما فکتنی برای چند اتفاق پس از سال ۹۲ داریم؛ یکسری اتفاقات از سال ۷۶ افتاد که یکسری از اصلاح‌طلبان تندرو گفتند حتی اگر لازم باشد آقای خاتمی را از قطار پیاده می‌کنیم. در سال ۸۸ طبیعی بود که رهبری درباره آن اتفاقات واکنش نشان داده و اینها برای اینکه موضع خود را به صورت عملی هم اجرایی کنند طبیعی بود که اصولگرایان به‌ویژه رادیکال‌ها تحت عنوان



مهیمن

دوشنبه ۱ مرداد ۱۴۰۳

سال سوم • شماره ۵۵۸

www.hammihanonline.ir

گفتار هفت

ناچاریم به سیاست بازگردیم



ابوالفضل دلاوری

استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

من می‌خواهم از واژه گفتمان استفاده نکنم چراکه یک وجه یا معنای ناخودآگاه دارد. در حالی که آنچه امروز در جریان است کاملاً سوزه‌محور است و زمینه‌های رخداد بزرگ و بی‌سابقه در تاریخ ایران شکل داد و شرایط کنونی را ایجاد کرد که سال‌های سال زیرپوست جامعه به‌ویژه در نخبگان، دغدغه‌مندان و فعالان به صورت آگاهانه شکل می‌گیرد. به همین دلیل از مفهوم پارادایم استفاده می‌کنم چراکه بر نظام‌دانا و آگاهانه دلالت دارد. ما در حال تغییر پارادایم در عرصه سیاست هستیم و ذهنیت و الگوهای سیاسی ما تاکنون دو ویژگی داشته؛ اول، خیال‌پردازی و در بهترین حالت آرمانگرایی‌های آسمانی و دوم، تخصص و تقابل. این ویژگی کاملاً آشکار تاریخ سیاسی به‌ویژه ۲۰۰ سال اخیر کشور است. من عنوانی برای این دولت اعلام نمی‌کنم چراکه روز اولی که پزشکیان وارد عرصه رقابت‌های انتخاباتی شد، یک عنوان «مصلح‌ه و اصلاحی» به ایشان دادم چراکه

بر خلاف تصورات اولیه به پیروزی شان اعتقاد داشتم. آنچه اتفاق افتاد محصول انتخابات نبود بلکه محصول بازاندیشی در حوزه سیاست و کنش سیاسی در ایران بود و همچنین تجربیات تلخی که به‌ویژه در دو، سه دهه اخیر داشتیم. سیاست‌های رمانتیسم و آتاکوئیستی حاصلی جز زنجیره‌ای از شورش‌ها، جنبش‌ها و انقلابات و تلاش‌های حماسی اما نافر جام یا مکتفر جام و الگوهایی از حکمرانی نامطلوب و ناکام ندارد. دولت‌های توسعه‌گرا، توزیع گر و در دو دهه اخیر دولت توسعه‌طلب بحران‌زا بودند. آنچه اتفاق افتاده حماسه‌ای است حاصل کنش آگاهانه تمام نیروهای سیاسی از سوی آنها که رای دادند یا رای ندادند و حتی کسانی نقش رقیب‌های افراطی و حافظ شرایط موجود را داشتند. این جامعه، سرزمین و ملت سرمایه‌های عمیق ذهنیتی، فرهنگی، نمادین و مهم‌تر از همه اراده برای آنکه دوباره بر خیزد را داشته و این در درون ما آگاهانه یا ناآگاهانه می‌جوشد. ایران یک دوره شکوفایی بی‌نظیر از دوره معاصر طلیکار است. امروز ما در حال ورود به این عرصه در تاریخ معاصر می‌شویم. کنشی که در انتخابات شرکت کرد محصول این بازاندیشی بود و عنوان بازگشت به سیاست بازاندیشانه را به این دوره دادم. سوزه‌های اجتماعی و سیاسی در تمام فرآیندها وارد فعالیت آگاهانه، تکاملی، گفت‌وگومحور و سعی در ایجاد همگرایی و گزینش مناسب‌ترین و معقول‌ترین رفتار برمی‌آید. حتی انتخاب‌ها نتیجه‌معرفی‌های حزبی و جناحی نبود بلکه محصول اندیشیدن به امکانات، مطلوبیت‌ها و ظرفیت‌ها و اراده معطوف به تغییرات است. ششکلی که در این انتخابات دیدم در هیچ جای جهان ندیدم. قرن بیست‌ویکم قرن ایران است که سه، چهار بار از این ویژگی‌های منحصر به‌فرد را نشان جهان دادیم. به‌رغم اینکه هنوز ضربه می‌خوریم، آسیب‌پذیر هستیم و انباشت بحران‌ها بر جسم و جان مان سنگینی می‌کند، اما پتانسیل و اراده ما مستهلک نشده است. چه کسی فکر می‌کرد از فضای یخبندان انتخاباتی چنین محصولی بیرون بیاید. حتی از چنین شخصیت ناشناخته‌ای چنین پتانسیل نمادینی دربیاید. این محصول‌ها توسط افرادی که سیاست را بازاندیشی کردند، ساخته شد؛ آن‌هم با فاصله گرفتن از سیاست رمانتیسم و تکیه بر داشته‌ها و براساس تجربیات قبلی. از یک جامعه سرد یک انتخابات گرم به وجود آمد. درست است که می‌گویند مشارکت ۵۰ درصد است، اما این تعداد را باید از ۷۰ یا ۶۵ درصد حساب کرد چراکه میانگین مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری بعد از انقلاب ۶۵ درصد بوده است. چرا میانگین را از ۱۰۰ درصد می‌گیریم و می‌گوییم ۶۵ درصد شرکت نکردند. حد اکثر ۲۰ درصد عدم مشارکت داشتیم. اما آنها هم مشارکت فعال داشتند. چراکه اقدام‌شان معنادار بود و پیام داشت. این یعنی سیاست بازاندیشانه که مبتنی بر آگاهی و گفت‌وگو در عرصه سیاست است. در فرانسه که دو حزب چپ به دلیل ترس از حزب راست ائتلاف می‌کنند، سطح پایینی از بازاندیشی است. اما در ایران سطح وسیع‌تر، عمومی‌تر و اجتماعی‌تر از بازاندیشی را داریم که سه سرمایه بزرگی محسوب می‌شود. خوشبختانه این اتفاق در درون هیئت حاکم رخ داده است چراکه تجربیات را بازنگری کرده است و پیش‌رفتن با الگوهای قبلی را غیرممکن دیده است. ما ناچاریم به سیاست برگردیم. اول، ممکن کردن امر ظاهر ناممکن. کاری که از طریق آگاهی و کنش آگاهی انجام دادیم. کجا انتظار داشتیم آقای طریف اینطور وارد میدان شده و کت در بیاورد؟ ما ده‌ها هزار بازیگر پنهان داشتیم که بنا به موقعیت و ارتباطات خود دست به این اقدام زدند. دوم، سازگار کردن امور ظاهرآ ناسازگار که باید از این به بعد دنبال شود.